

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۸ مارچ ۲۰۲۱

فضای سیاسی در قری که گذشت!

۷

شنبه ۰۷ حمل ۱۴۰۰ - کابل:

به ادامه گذشته:

امپریالیسم جنایتگستر امریکا و شرکاء بعد از آن که به وسیله اعمال شان در وجود طالب و شرکایش، کارد را به استخوان مردم رسانیدند و مردم را در وضعیتی قرار دادند، که تقریباً تمام باشندگان کابل، اگر با صدای بلند نمی توانستند ابراز نظر نمایند، مگر در فکر و ضمیر شان به این نتیجه رسیده بودند که "سگ بیاید مقصد طالب برود" با خاک زدن به چشم مردم و استفاده ابرای از مفاهیم دموکراسی، حاکمیت مردم، تساوی حقوق زنان، آزادی بیان و بقیه آزادیها و حقوق دموکرایک، در پناه بمبارانهای سنگین، ویرانگر و کشنده، چند تن از نوکرانش را در مقام حاکمیت دست نشانده بر اوضاع مسلط ساخته، وعده های بلند بالائی در تمام زمینه ها به مردم داد.

مردم دردمند و زخمین افغانستان که از سال ۱۳۵۷ الی ۱۳۷۹-۱۳۸۰ دهشتناکترین رژیم ها را تجربه نموده و کارد به استخوان شان رسیده بود، بر مبنای موضعگیری های خایانه و انقیاد طلبانه اکثر سازمانهای چپ و راست، فریب این وعده ها را خورده، بدین امید که سرانجام بعد از تحمل آنهمه مصیبت خواهند توانست نفسی به راحتی بکشند، در عمل بر روی وجدان مبارزاتی خود و خون و دستاورد نیاکان شان پای گذاشته، به مانند تشنگان و جزدگانی که سراب را آب می پندارند، به دنبال دجال امپریالیسم غرب به راه افتادند.

از آنجائی که منطق واقعیت ها سخت تر و کوبنده تر از هر منطقی است، دیری نگذشته بود که مردم متوجه شدند، آن چه را آنها وسیله نجات می دانستند، چیزی به جز زنجیر های جدید اسارت نیست. این مسأله زمانی بیشتر آشکار گردید، که شهریان کابل به دنبال یک حادثه ترافیکی که قوای اشغالگر باعث آن بودند، خواستند از حقوق و آزادیهای وعده داده شدگی استفاده نموده، از دولت دست نشانده بخواهند تا نیروهای اشغالگر مسبب حادثه مرگبار ترافیکی را به پاسخگوئی بکشانند.

پاسخ اشغالگران در قبال همین خواست بحق مردم با سرکوب خونینی که به راه انداختند نشان داد که درک مردم و اشغالگران از حدود و ثغور آزادیها و حقوق دموکراتیک یکسان نیست. یعنی در حالی که مردم باور نموده بودند، که در کشور خود زندگی می نمایند و صاحب کشور خودشان هستند و در مقابل قانون تمام افراد ساکن در افغانستان مساوی

هستند، استعمار درک دیگری از حقوق و آزادیها داشت. از نظر استعمار مردم حق داشتند و آزاد بودند، تا بر همدیگر شان بتازند، دشنام دهند، افشاگری نمایند و هر چه در ذهن شان در همان حدود خطور نماید بیان دارند، مگر نه تنها حق نداشتند بلکه اجازه بیان این را هم نداشتند، تا حضور اشغالگر، جنایات اشغالگران و کلیت نظام مستعمراتی را زیر سؤال برده، به نیروهای اشغالگر بگویند که گویا بالای چشم شان ابروست.

همین دو درک متفاوت و متضاد از مفاهیم آزادیها و حقوق دموکرایک و با صد ها رشته آنها را با قانون اساسی دست ساخت استعمار گره زدن با تعیین خطوط قرمز تمکین به نیروهای اشغالگر، در عمل فضای سیاسی کشور را برای آنهایی که نمی خواستند کشورشان مستعمره مقهور و آبخور ارتجاع هار اسلام سیاسی باشد، چنان بسته نمود که نمونه های آن حتا در زمان ظاهر و داوود نیز دیده نشده بود، از جمله صدور حکم اعدام برای صاحبان چندین نشریه به ظن مخالفت با اسلام، ۱۳ سال به زندان افگندن نویسنده دیگر به علت مقاله ای که اساساً منتشر نشده و می تواند به معنای مجازات تفکر غیر اسلامی تعبیر گردد.

مگر در عین زمان به خاطر فریب مردم و حفظ ظواهر فریبده دموکراسی اهدائی خودشان، ثبت بیش از ۱۰۰ حزب و سازمان گویا مبارزاتی در وزارت عدلیه دولت دست نشانده، در عمل حرکت در نقطه مقابل زمان "دموکراسی تاجدار" قرار گرفتن بود. زیرا نوشتیم که در آن زمان نهاد ها عملاً وجود داشتند، مگر رسماً وجودداشتند زیرا قانون احزاب منظر "توشیح شاهانه" بود، اما اینک احزاب رسماً وجود دارند مگر عملاً در صحنه مبارزاتی کشور اثری از آنها به مشاهده نمی رسد. در نتیجه به همان سان که در گذشته عدم رسمیت، بخش عمده نهاد ها را به مزدوری و کودتاگری کشاند، اینک موجودیت رسمی و نبود عملی احزاب، از تمام آنها دکانهای خرید و فروش آراء، شخصیت و وجدان ساخته، نهادها که اصولاً در یک نظام دموکراتیک ممثل و ضامن بقای دموکراسی اند، در اینجا به وسیله معاش و خرید و فروش آراء و وجدان انسانی مبدل شده اند.

ادامه دارد.